

آیه سقایة الحاج: نوزدهمین آیه سوره توبه، درباره آب دادن به حاجیان و تعمیر مسجدالحرام و ایمان به خدا و قیامت و جهاد در راه خدا

سقایة از ریشه «س - ق - ی»، مصدر و به معنای آب دادن دیگران است.^۱ از این رو آیه ۱۹ توبه/۹ آیه سقایة الحاج نام گرفته^۲ که واژه سقایة در آن آمده و بیانگر آن است که ایمان به خدا و روز جزا و جهاد در راه خدا از سقایة^۳ حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام برتر است: «أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». (توبه/۹، ۱۹)

افزون بر معنای مزبور، واژه سقایة به معنای جای آشامیدن آب^۴ و نیز ظرف آب: «جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ» (یوسف/۱۲، ۷۰) آمده است. سقایة و آب دادن به زائران خانه خدا از مناصب و شئون مسجدالحرام بود که اعراب جاهلی بدان افتخار و مباحثات می کردند. سقایة از مناصبی بود که قُصِيَ بِن كلاب، از اجداد پیامبر گرامی ﷺ بعد از

احیاء التراث العربی، ۴۱۲ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازی (م.۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م.۸-۲۱۳ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبة محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ صحیح البخاری: البخاری (م.۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۴۰۱ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م.۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۴۱۸ق؛ عیون الاثر: ابن سید الناس (م.۷۳۴ق.)، بیروت، مؤسسة عزالدین، ۴۰۶ق؛ الكامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م.۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م.۷۱۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ لغت نامه: دهخدا (م.۱۳۳۴ش.) و دیگران، تهران، مؤسسه لغت نامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ مجمع البیان: الطبرسی (م.۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلامی، ۱۴۱۵ق؛ المعارف: ابن قتیبه (م.۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، شریف رضی، ۱۳۷۳ش؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م.۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المغازی: الواقدی (م.۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلامی، ۱۴۰۹ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م.۵۹۷ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ المیزان: الطباطبایی (م.۴۰۲ق.)، بیروت، اعلامی، ۱۳۹۳ق.

لطف الله خراسانی



۱. لسان العرب، ج ۶، ص ۳۹۱، «سقی»: لغت نامه، ج ۹، ص ۱۳۶۷۸، «سقایة».

۲. نهج الحق، ص ۱۸۲؛ الصحیح من سیرة النبی، ج ۵، ص ۱۲۳.

۳. القاموس المحيط، ج ۴، ص ۳۴۳؛ تاج العروس، ج ۱۹، ص ۵۳۰.

خارج کردن مکه از دست قبیله خزاعه، برای اداره مسجدالحرام و زائران خانه خدا آن را پدید آورد.^۱ وی هنگام وفاتش این سمت را به پسرش عبدمناف واگذار^۲ و از آن پس این سمت در میان فرزندان عبدمناف وجود داشت^۳ تا در پایان به عباس بن عبدالمطلب رسید. سقایة العباس در مسجدالحرام بنایی داشت که گفته‌اند در جهت جنوبی زمزم بوده است.^۴ بر پایه روایتی، رسول خدا ﷺ نیز سقایت زائران خانه خدا را برای بنی‌هاشم و پرده‌داری کعبه را برای بنی‌عبدالدار قرار داد.^۵

(← سقایت)

در شأن نزول آیه سقایة الحاج نقل شده است که عباس بن عبدالمطلب به جهت عهده‌داری سقایت حاجیان و طلحة بن شیبه به جهت کلیدداری کعبه و عمارت مسجدالحرام بر یکدیگر فخر می‌فروختند. آن دو با ورود علی بن ابی‌طالب نزد خود، او را در این باره داور قرار دادند. وی خود را به سبب سبقت در ایمان میان مردان این امت و هجرت و جهاد در راه

خدا و نماز گزاردن به سوی دو قبله با پیامبر ﷺ برتر از هر دو خواند. عباس و طلحة خصومت میان خود و تفاخر علی بن ابی‌طالب بر خویش را نزد پیامبر ﷺ بردند. ایشان سکوت کرد تا آیه ﴿أَجْعَلْتُمْ سَقَايَةَ الْحَاجِّ...﴾ نازل شد.^۶ همین شأن نزول با اندکی تفاوت، در روایتی از امام صادق علیه السلام^۷ و نیز منابع دیگر یاد شده است.^۸

افزون بر این شأن نزول، اقوال دیگری هم ذکر شده است: ۱. بر پایه روایتی، علی علیه السلام از عمویش عباس خواست که به مدینه هجرت کند و به رسول خدا ﷺ بیوندد. وی پاسخ داد: من در مکه عهده‌دار سقایت حاجیان و آبادگر مسجدالحرام هستم. آن‌گاه این آیه نازل شد.^۹ بر پایه روایتی دیگر، اختلافی میان علی علیه السلام و عباس پدید آمد و عباس بدان سبب که عموی پیامبر ﷺ بود و سقایت حاجیان و تعمیر مسجدالحرام را بر عهده داشت، خود را برتر از علی علیه السلام می‌پنداشت. بدین جهت این آیه نازل شد.^{۱۰} بر پایه گزارشی دیگر، پس از فتح مکه،

۶. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۶۸؛ روض الجنان، ج ۹، ص ۱۹۲؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۱۹.
 ۷. اسباب النزول، ص ۱۶۴؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۳.
 ۸. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۶۸؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۲۱؛ مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۷.
 ۹. الکشاف، ج ۲، ص ۱۸۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۱۱۱؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۱۸.
 ۱۰. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۲۰؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۱۸؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸.

۱. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۳۰؛ الطبقات، ج ۱، ص ۶۰؛ المنمق، ص ۱۸۹.
 ۲. الطبقات، ج ۱، ص ۶۰؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۱۰؛ التنبیه و الاشراف، ص ۱۸۰.
 ۳. السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۳۲؛ الطبقات، ج ۱، ص ۶۳.
 ۴. اخبار مکه، ج ۲، ص ۵۹.
 ۵. مسند احمد، ج ۶، ص ۴۰۱؛ المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۳۰؛ ذخائر العقبی، ص ۱۵.

پیامبر ﷺ منع کرد و اختلاف آنان را با رسول خدا ﷺ در میان گذاشت. آن گاه آیه سقایة الحجاج نازل شد.^۴

۵. بر پایه گزارشی دیگر، گروهی از مشرکان، سقایة زائران خانه خدا و عمارت کعبه و مسجدالحرام را از ایمان به خدا و جهاد در راه او برتر می‌پنداشتند. خداوند در رد سخن ایشان، این آیه را نازل کرد.^۵

۶. بر پایه گزارشی، مشرکان به یهود گفتند: سقایة حاجیان و عمارت مسجدالحرام از آن ماست. آیا ما برتر هستیم یا محمد و اصحابش؟ یهود پاسخ دادند: شما برترید. در رد سخن آنان این آیه نازل شد.^۶

گرچه اقوال مختلفی در شأن نزول آیه سقایة الحجاج ذکر شده و اکثر قریب به اتفاق آنها با مضمون آیه مخالفتی ندارند، از بیشتر این روایت‌ها برمی‌آید که آیه در شأن علی بن ابی طالب ﷺ^۷ به سبب سبقت گرفتن در ایمان به خدا و روز جزا و جهاد در راه خدا نازل شده است. افزون بر این که روایت‌های امامان معصوم ﷺ مؤید همین مطلب‌اند،^۸ بر اساس

پیامبر ﷺ سقایة حج گزاران را به عمویش عباس و کلیدداری کعبه را به عثمان بن طلحه داد. عباس به علی ﷺ گفت: رسول خدا به تو کاری مهم نداد. در این هنگام، آیه سقایة الحجاج نازل شد.^۱

۲. بر اساس نقلی، پس از آن که عباس بن عبدالمطلب در غزوه بدر اسیر شد، او را به تمسخر گرفتند. وی در پاسخ به مسلمانان گفت: اگر شما در اسلام آوردن و هجرت و جهاد بر ما سبقت گرفتید، ما آبادگر مسجدالحرام و ساقی زائران خانه خدا بوده‌ایم. در این حال، این آیه نازل شد.^۲

۳. بر پایه روایتی دیگر، آیه سقایة الحجاج درباره علی ﷺ، حمزه، عباس و شیبه نازل شد، در حالی که عباس و شیبه به سقایة الحجاج و پرده‌داری کعبه افتخار می‌کردند.^۳

۴. بر پایه گزارشی از نعمان بن بشیر، چند تن در کنار منبر رسول خدا ﷺ با یکدیگر سخن می‌گفتند. یکی از آنان سقایة حاجیان و دیگری عمارت مسجدالحرام و شخص سوم جهاد در راه خدا را برترین اعمال پس از اسلام خواندند. عمر بن خطاب آنان را از این گفتاری و بلند کرد صدایشان در کنار منبر

۴. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۶۷؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۱۸.

۵. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۶۷؛ روض الجنان، ج ۹، ص ۱۹۱.

۶. التبیان، ج ۵، ص ۱۹۱؛ الکشاف، ج ۲، ص ۱۸۰؛ التفسیر الکبیر،

ج ۱۶، ص ۱۱.

۷. اسباب النزول، ص ۱۶۴؛ المصنف، ج ۷، ص ۵۰۴؛ شواهد التنزیل،

ج ۱، ص ۳۲۶.

۸. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۸۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۳؛ التبیان،

ج ۵، ص ۱۹۰.

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۹؛ بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۲۳۶.

۲. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۱۲۵؛ التبیان، ج ۵، ص ۱۹۰؛ الدر المنثور،

ج ۳، ص ۲۱۸.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۳؛ الصافی، ج ۲، ص ۳۲۸.

روایتی از ابوذر غفاری، علی رضی الله عنه در حدیث شورا ضمن احتجاج‌هایش بر برتری خود بر اعضای شورایی که عمر بن خطاب مشخص کرده بود، به شأن نزول آیه سقایة الحاج استدلال نمود و حاضران در شورا این مطلب را تأیید کردند.^۱

مفسران در تفسیر این آیه سه دیدگاه ارائه کرده‌اند: ۱. برخی بر این باورند که مخاطبان آیه مشرکان هستند؛ زیرا به گفته ابن عباس، آنان می‌پنداشتند کسی که به تعمیر خانه خدا و سقایت حاجیان می‌پردازد، از کسی که به خدا و روز جزا و جهاد فی سبیل الله ایمان داشته باشد، برتر است. آنان افتخار می‌کردند که اهل حرم هستند و از ایمان آوردن به خدا تکبر می‌ورزیدند؛ چنان‌که بعضی از اقوال در سبب نزول آیه نیز مؤید همین مطلب است.^۲ بر پایه نقل گروهی دیگر از مفسران، مخاطبان آیه شماری از مؤمنان بودند که می‌پنداشتند عمارت و سقایت آنان پیش از ایمان آوردنشان و نیز همین اعمال به دست مشرکان، با سقایت و تعمیر مسجدالحرام بعد از ایمان آوردن برابر است. افزون بر سیاق انکاری آیه^۳، بعضی از اقوال در سبب نزول آیه نیز

مؤید این مطلب است.^۴
 ۲. در تفسیری دیگر، سقایت و عمارت، مصدر و به معنای فعل است و جمله «من آمن بالله والیوم الآخر» به فاعل اشاره دارد. بر این اساس، ظاهر لفظ اقتضای تشبیه فعل به فاعل و صفت به ذات دارد و این محال است؛ زیرا مقابله باید میان دو چیز هم‌سنخ، مانند دو انسان یا دو عمل صورت پذیرد، نه میان انسان و عملی از او.^۵ از همین رو، مفسران ناچار به تأویل آیه شده‌اند؛ یا بدین سان که مضاف در تقدیر گرفته شود: «أجعلتم أهل السقاية و عمارة المسجد الحرام...» یا گفته شود: «أجعلتم سقاية الحاج کلیمان من آمن بالله...»^۶ برخی نیز گفته‌اند: نیازی به تقدیر مضاف نیست؛ بلکه مصدر در این جا به معنای فاعل است.^۷ در آیه سقایة الحاج، میان سقایت حاجیان و تعمیر مسجدالحرام از سویی و ایمان به خدا و روز جزا و شرکت در جهاد در راه خدا از سویی دیگر سنجش صورت پذیرفته و خداوند از نابرابری آن‌ها در فضل و برتری خبر داده

۵. اسباب النزول، ص ۱۶۴؛ جامع البیان، ج ۱۰، ص ۶۷؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۱۸.

۶. روض الجنان، ج ۹، ص ۹۲؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۱۲؛ روح المعانی، ج ۵، ص ۲۵۸.

۷. المیزان، ج ۹، ص ۲۰۳.

۸. الکشاف، ج ۲، ص ۱۸۰؛ روض الجنان، ج ۹، ص ۱۹۲؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۱۲.

۹. روح المعانی، ج ۵، ص ۲۵۸.

۱. الامالی، ص ۵۵۰.

۲. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۶۶؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۴۵؛ روح المعانی، ج ۵، ص ۲۵۸.

۳. الکشاف، ج ۲، ص ۱۸۰؛ روض الجنان، ج ۹، ص ۱۹۱.

۴. المیزان، ج ۹، ص ۲۰۴.

۱۴۰۳ق؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ الصافی: الفیض الکاشانی (م. ۱۰۹۱ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ق؛ تفسیر العیاشی: العیاشی (م. ۳۲۰ق.)، به کوشش رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الکتاب، ۱۴۰۴ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ التنبیه والاشراف: المسعودی (م. ۳۴۵ق.)، بیروت، دار صعب؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ق؛ السدر المنثور: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۶۵ق؛ دعائم الاسلام: النعمان المغربی (م. ۳۶۳ق.)، به کوشش فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ق؛ ذخائر العقبی: احمد بن عبدالله الطبری (م. ۹۴ق.)، بیروت، دار المعرفة، ۱۹۷۴م؛ روح المعانی: الکووسی (م. ۱۲۷۰ق.)، به کوشش علی عبدالباری، بیروت، ۱۴۱۵ق؛ روض الجنان: ابوالفتح رازی (م. ۵۵۴ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش؛ السیرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمية؛ شواهد التنزیل: الحاکم الحسکانی (م. ۵۰۶ق.)، به کوشش محمودی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ الصحيح من سیرة النبی ﷺ: جعفر مرتضی العاملی، بیروت، دار السیرة، ۱۴۱۴ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ القاموس المحیط: الفیروزآبادی (م. ۸۱۷ق.)، بیروت، دار العلم؛ الکشاف: الزمخشری (م. ۵۳۸ق.)،

است.^۱

۳. به گفته علامه طباطبایی، ذکر سقایة حاجیان و عمارت مسجد الحرام بدون هر گونه قید در برابر ایمان به خدا و قیامت و جهاد فی سبیل الله به این معناست که سقایة و عمارت تهی از ایمان هرگز با ایمان به خدا برابر نیست و خداوند آن را رد می کند.^۲ برخی از مفسران گفته اند: عمل نیک و عبادی هر چند عظیم اگر با ایمان توأم نباشد، ارزش ندارد^۳ و ذیل آیه: ﴿وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ مؤید همین است. افزون بر این، آیات قبل و بعد آیه سقایة الحاج وحدت معنایی دارند و دلالت می کنند که زنده بودن و ارزش و نیز سبب قرب الی الله بودن هر عمل، بر روح ایمان مبتنی است.^۴

◀ منابع

اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مكتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ اسباب النزول: الواحدي (م. ۴۶۸ق.)، قاهره، الحلبي و شرکاه، ۱۳۸۸ق؛ اطیب البیان: عبدالحسین طیب، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ش؛ الامالی: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی،

۱. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۶۸؛ التبیان، ج ۵، ص ۱۹۰.

۲. المیزان، ج ۹، ص ۲۰۴.

۳. الکشاف، ج ۲، ص ۱۸۰؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۱۲؛ اطیب البیان، ج ۶، ص ۱۹۴.

۴. المیزان، ج ۹، ص ۲۰۵.

مصطفی البابی، ۱۳۸۵ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ لغت نامه: دهخدا (م. ۱۳۳۴ش.) و دیگران، تهران، مؤسسه لغتنامه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المصنّف: ابن ابی شیبہ (م. ۲۳۵ق.)، به کوشش سعید محمد، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ المعجم الاوسط: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، قاهره، دار الحرمین، ۱۴۱۵ق؛ المنمق: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق؛ المیزان: الطباطبایی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ نهج الحق و کشف الصدق: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش الحسنی الارموی، قم، دار الهجره، ۱۴۰۷ق.

هادی مجیدی



آیه غار: چهلمین آیه سوره توبه، مشتمل

بر وعده خداوند برای یاری پیامبر

در این آیه، خداوند به مؤمنان خطاب کرده است که اگر پیامبرش را در این حالت سخت یاری نکنند، خودش او را یاری خواهد کرد، چنان که هنگام بیرون راندنش از سوی کافران او را یاری کرد؛ آن گاه که همراه رسول خدا، ابوبکر، نگران بود و پیامبر ﷺ او را با وعده همراهی خداوند دلداری داد. سپس خداوند آرامش بخشیدن به پیامبرش در غار ثور* و

یاری کردنش با لشکریان ناپیدا در غزوه های پیشین را یادآور می شود و از سرانجام شکست کافران و پیروزی کلمه الله و سخن حق خبر می دهد: ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه/ ۹، ۱۰). این آیه در شمار آیات غزوه تبوک است و به پناهنده شدن رسول خدا ﷺ به غار ثور و برخورداری او از نصرت الهی هنگام هجرت اشاره دارد و از همین رو به «آیه غار» معروف شده است.^۱ غار همان سوراخ و شکاف کوه است و مراد از آن در این آیه، غاری است که بالای کوه ثور^۲ در پنج کیلومتری مکه^۳ در سمت یمن قرار دارد. اما بر پایه خبری واحد، مقصود غار حرا است.^۴

بر پایه گزارش های تاریخی، در سال نهم هجرت، پیامبر ﷺ مسلمانان را از حرکت به تبوک برای رویارویی با رومیان خبر داد. از آن جا که فاصله مدینه تا تبوک ۶۱۰ کیلومتر و

۱. سلسله مؤلفات الشیخ المفید، ج ۸، ص ۱۲۵؛ شرح المنام، ص ۲۵؛

مناقب، ج ۱، ص ۳۰۴؛ المیزان، ج ۹، ص ۲۹۴.

۲. المحرر الوجیز، ج ۳، ص ۳۵؛ تفسیر ثعالبی، ج ۳، ص ۱۸۲.

۳. سبل الهدی، ج ۱، ص ۱۴، «مقدمه».

۴. الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۴۵.